

سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی

نوشته: سموئل هانتینگتون

ترجمه: محسن ثلاثی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	فصل یکم، سامان سیاسی و تباهی سیاسی
۵	شکاف سیاسی
۱۸	نهادهای سیاسی: اشتراک اجتماعی و سامان سیاسی
۱۸	نیروهای اجتماعی و نهادهای سیاسی
۲۳	معیارهای نهادمندی سیاسی
۴۰	نهادهای سیاسی و مصالح همگانی
۵۳	اشتراک سیاسی: نوسازی و تباهی سیاسی
۶۴	نوسازی و خشونت
۹۰	نوسازی و فساد
۱۰۹	شکاف شهر و روستا: قد علم کردن شهر و خیزش سبز
۱۱۷	استواری سیاسی: جامعه سیاسی مدنی و پراتوری
۱۳۹	فصل دوم، نوسازی سیاسی: آمریکا در برابر اروپا
۱۳۹	الگوهای نوسازی
۱۴۷	عقلانیت اقتدار
۱۶۲	تمایز ساختار

۵۴۱	روستاییان: اصلاحات به عنوان جانشین	۱۸۰	نهادهای تیودوری و اشتراک توده‌ای
۵۵۰	سیاست اصلاحات ارضی	۱۹۷	سیاست تیودوری و جوامع دستخوش نوسازی
۵۷۵	فصل هفتم، نوسازی و احزاب	۲۰۵	فصل سوم، دگرگونی سیاسی در جوامع سیاسی سنتی
۵۷۵	اجتماع سیاسی در جامعه نوین	۲۰۵	قدرت، نهادها و نوسازی سیاسی
۵۸۳	شکندگی دولت بدون حزب	۲۱۵	نظام‌های سیاسی سنتی
۵۹۱	احزاب نیرومند و استواری سیاسی	۲۲۴	نوآوری در سیاست: اصلاح در برابر آزادی
۵۹۶	فراگردهای تحول حزب	۲۴۳	جذب گروهی: تنوع‌گرایی در مقابل برابری
۶۰۸	تطبیق‌پذیری نظام‌های حزبی	۲۵۸	تناقض شاه: موفقیت در مقابل بقا
۶۲۶	خیزش سبز: نظام‌های حزبی و تحرک روستایی	۲۸۱	فصل چهارم، پراتوریانیسم و تباهی سیاسی
	تحرک روستایی از رهگذر رقابت حزبی:	۲۸۱	سرچشمه‌های پراتوریانیسم
۶۴۱	محافظه‌کاری دموکراسی		انتقال از پراتوریانیسم الیگارشیک به پراتوریانیسم
۶۶۶	الزام سازمانی	۲۹۲	رادیکال: کودتاهاى بنیادی و سرباز به‌عنوان اصلاحگر
۶۶۹	فهرست اعلام	۳۰۷	پراتوریانیسم رادیکال: نیروهای اجتماعی و شگردهای سیاسی
			از پراتوریانیسم رادیکال به پراتوریانیسم توده‌ای: کودتاهاى
		۳۲۳	بازدارنده و سرباز به‌عنوان پاسدار نظام
		۳۴۹	از پراتوریانیسم به سامان مدنی: سرباز همچون یک نهادساز
		۳۸۵	فصل پنجم، انقلاب و سامان سیاسی
		۳۸۵	نوسازی با انقلاب
		۳۹۹	اوضاع نهادی و اجتماعی انقلاب
		۴۰۵	شهر و انقلاب
		۴۴۷	رشد سیاسی از طریق انقلاب
		۴۹۷	فصل ششم، اصلاحات و دگرگونی اجتماعی
		۴۹۷	استراتژی و تاکتیک‌های اصلاحات: فابیان‌یسم، روش ضربتی و خشونت
		۵۲۲	اصلاحات: جانشین یا حلال
		۵۳۳	روش‌نگران شهری: اصلاحات به‌عنوان حلال

فصل یکم

سامان^۱ سیاسی و تباهی سیاسی

شکاف سیاسی

مهمترین تمایز سیاسی میان کشورها نه از صورت حکومت بلکه از درجه حکومت شان مایه می‌گیرد. تفاوت‌های میان حکومت‌هایی که سیاست شان مبتنی بر توافق، اشتراک اجتماعی، مشروعیت، سازمان، کارآیی و استواری^۲ هستند و آن حکومت‌هایی که چنین کیفیت‌هایی را ندارند، از تفاوت میان دموکراسی و خودکامگی مهمتر است. دولت‌های کمونیست توتالیتر و دولت‌های لیبرال غربی هر دو به یک مقوله نظام‌های سیاسی کارآمد تعلق دارند و نه به نظام‌های ناتوان. ایالات متحد، بریتانیای کبیر و اتحاد شوروی صورت‌های حکومتی متفاوت دارند ولی در این هر سه نظام، حکومت قادر به حکومت کردن است. هر یک از این کشورها اجتماع سیاسی به شمار می‌آید که اکثریت مردمش درباره مشروعیت نظام سیاسی شان توافق دارند. شهروندان و رهبران این سه کشور در مورد مصلحت

همگانی جامعه و سنت‌ها و اصول پایه‌ای اجتماع سیاسی‌شان برداشتی کم و بیش یکسان دارند. هر سه این کشورها نهادهای سیاسی نیرومند، تطبیق‌پذیر و منسجمی دارند: دستگاه اداری کارآمد، احزاب سیاسی به خوبی سازمان گرفته، درجه بالایی از اشتراک مردم در امور همگانی، نظام‌های کارآمد نظارت غیرنظامیان بر امور نظامی، فعالیت گسترده حکومت در قلمرو اقتصادی کشور و روش‌های خردمندانه و مؤثری برای حل مشکل جانشینی و مهار کردن کشمکش‌های سیاسی. این حکومت‌ها می‌توانند وفاداری شهروندان‌شان را تضمین کنند و از همین روی قادرند منابع‌شان را تحت نظارت داشته باشند، نیروی انسانی کشورشان را به کار گیرند و سیاست‌های‌شان را به اجرا درآورند و حتی سیاست‌های نوبنی را در پیش گیرند. اگر دفتر سیاسی حزب کمونیست شوروی، یا کابینه بریتانیا و یا رئیس جمهور آمریکا تصمیمی بگیرد، به احتمال زیاد این تصمیم از طریق دستگاه حکومتی عملی خواهد شد.

با توجه به ویژگی‌های یاد شده، نظام‌های سیاسی ایالات متحده، بریتانیا و اتحاد شوروی، اگر نه از همه دست کم از بسیاری از کشورهای رو به توسعه آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین بس‌مقاوتند این کشورها بسیاری چیزها را ندارند. این‌ها هرچند که به کمبود مواد غذایی، بیسوادی، سطح پایین آموزش و کاستی ثروت، درآمد، بهداشت و بازدهی دچارند، اما دست کم این کاستی‌ها تشخیص داده شده‌اند و گام‌هایی نیز برای رفع آن‌ها برداشته شده‌اند. اما به هر روی، در فراسو و پشت این کمبودها کمبود بزرگتری نهفته است: کمبود اشتراک سیاسی و حکومت کارآمد، مقتدر و مشروع. والتر لپمن^۴ یادآور شده است که «من خوب می‌دانم برای مردمی که در یک اجتماع زندگی می‌کنند چیزی ضروری‌تر از آن نیست که تحت حکومتی درآیند، حال می‌خواهد این حکومت در صورت امکان،

4. Walter Lippman, *New York Herald Tribune*, Dec. 10, 1963, P.24.

۵. Gunnar Myrdal (متولد ۱۸۹۸)، اقتصاددان سوئدی و برنده جایزه نوبل اقتصادی در سال ۱۹۷۶. -م.

6. Gunnar Myrdal, *Rich Lands and Poor* (New York and Evanston, Harper and Row, 1957), p. 6; George D. Woods, «The Development Decade in the Balance».

۳. Walter Lippman (۱۹۷۴ - ۱۸۸۹) روزنامه‌نگار، سیاستمدار و نویسنده آمریکایی. - م